

بحث توافق هسته‌ای که می‌شود، جریانی که در عرصه استدلال برای دفاع از محتوای این توافق بشدت معیوب چنته‌اش تپی است، برای سر پا نگاه داشتن خویش زمین دیگری طراحی می‌کند تا مگر در آن میدان خودساخته بتواند پیروز از معرکه بیرون آید و آنگاه سرمست از این فتح پوشالی به خودش دست‌مریزاد هم بگوید و بسا برای خودش تحفه‌ای هم به پادش این پیروزی تدارک ببیند، غافل از آنکه به همان «مرد هنرمند»ی می‌ماند که «خود گوید و خود خندد» این طراحی خودساخته را علمای «منطق» افتادن در وادی مغالطه «پهلوان‌پنبه» نامیده‌اند و آن هنگامی است که کسی در عالم واقع از رویارویی با مدعای محکم و مستحلی درآمده است و روی به ترسیم صورتی سست و نحیف از ادعای مزبور می‌آورد، آنگاه به عوض رد مدعای (پهلوان) اصلی، آن صورت بدلی ضعیف را زمین می‌زند و مسرور از چیرگی بر «پهلوان‌پنبه» برای خود کف می‌زند و هورا می‌کشد! حال حکایت مدافعان توافق هسته‌ای است که در میدان منطق حرفی برای گفتن ندارند و در برابر نقدهای «نقد» و قوی و مستند به روند بالفعل ماجرا دفاعیاتشان «تسیه» و مبتنی بر اوهام و آرزوهای است که امید دارند در آینده و در توافقی که شکل خواهند داد محقق شود، از این‌رو مدعایی کذب و خلاف به منتقدان نسبت می‌دهند تا در جدال با آن «پهلوان بدلی» مدعای خودشان منطقی و مُحَق جلوه کند، لیکن این رویکرد عوام‌فریبانه در چشم آنان که می‌اندیشند و از حقیقت‌ماجراباخبرند تنها نشان عجز و استیصال آنها در نبرد منطق هاست.

اینان از یک‌سو اصرار افراطی و نامعقولی در بزرگنمایی میزان تأثیرگذاری تحریم‌ها و ارتباط آن با همه معضلات ریز و درشت کشور دارند، از سوی دیگر سعی دارند به ناروا القا کنند منتقدان با توافق مخالفند و ناروا تر نتیجه بگیرند بنابراین منتقدان با لغو تحریم‌ها مخالفند و خواهان تداوم تحریم‌ها هستند تا بعد به مدد این ادعای خلاف در هیبت مشفقانی دلسوز برای معیشت و معضلات ملت جلوه کرده و خود را یگانه منجی جامعه از این شرایط سخت و صعب بنمایانند! حال آنکه چنین ادعایی دروغی محض است که تنها گواه بی‌صدافتی و بداخلاقی مدعیان آن است که منتقدان اگر هم نقدی دارند نه ناظر به «اصل» توافق که معطوف به «رویکرد» و «فق»ی است که در فرآیند فعلی توافق پی گرفته می‌شود، انتقادهامتوجه «حتوای» توافق و «عدم توازن» داده‌ها و ستانده‌های آن است که با این روند بیم آن می‌رود سرمایه‌های عظیم به ثمن‌بخش معامله شوم و جز آن مختصات امنیت و اقتدار کشور بر گرفته شدن در دو بسته فاش شود و خدای‌ناکرده برود بر سر ملت آنچه نباید! در یک کلام منتقدان شدیدا مخالف «توافق بد» هستند و مبرانه هشدار می‌دهند، از «هر توافقی» نمی‌توان مؤلفه‌های یک «توافق خوب» را بیرون



# مغالطه «پهلوان پنبه»!

- سیده‌آزاده امامی

کشید و تأمین «منافع ملی» را از آن چشم داشت، ورنه ایشان هرگز با «صل» توافق مشکلی نداشته‌اند چونان که این راه پیش از اینها آغاز شده بود، این ترفند اما از آن‌رو مصداق مغالطه «پهلوان‌پنبه» است که گویای هراس این جریان از ادعا بن حقیقت مخالفت منتقدان است!ا چه اینکه اگر صادقانه با ملت بگویند منتقدان مخالف تصدیق «توافق بد» هستند، بی‌درنگ با این پرسش افکار عمومی مواجه می‌شوند که مگر شما در پی شکل دادن به «توافق بد»ی هستید که نقدهای منتقدان را به خود گرفته و این‌گونه از آن برآشفته‌اید؟! آنجاست که پاسخ به افکار عمومی ضرورت تشریح مؤلفه‌های یک «توافق خوب» و نیز افضای مفاد «توافق در حال انجام» را اقتضا می‌کند و آنگاه ملت در قیاس این مؤلفه‌ها با «مدعای منتقدان» و نیز «محتوای توافق» به فراست در خواهد یافت کدام‌یک از این دو نشان از یک «توافق خوب» دارند اما ظاهراً مصلحت بر آن است که بر این حقیقت لب فرو بسته شود تا هم مجبور نباشند



دلیلی جز مهابت استکبارستیزانه و آرمان‌گرایانه انقلاب دارد بنابراین با مذاکره و معامله بر سر فلان دانش و بهمان فناوری می‌توان از شر آنها آسوده شد، خیال خام و اندیشه کودکانه‌ای است. آقایان اما می‌گفتند می‌شود و ما می‌توانیم به اعجاز «دیپلماسی لبخند» شاخ غول تحریم را بشکنیم، مذاکره را که آغاز کردند و توافق معیوب «زنو» که رونمایی شد و هنوز جوهر آن خشک نشده طرف‌های به‌زعم آقایان «باهوش و مؤبد» مذاکره، بدعه‌دی از سر گرفتند و حقانیت هشدارهای ناصحانه منتقدان مسجل شد، به عوض اعتراض به دشمنان پیمان شکن، متعزّض دوستان دلسوز شدند و بداخلاقانه و غیرمنصفانه منتقدان را آماج تیرهای توهین و اتهام کردند و ناجاوامردانه گفتند مخالفت منتقدان ناشی از «دلایلی» و «کاسبی» آنها از تحریم‌هاست! این ادعا به قدری در قیاس با دلایل نقد منتقدان مضحک است که در برابر آن تنها می‌توان سری به تأسف تکان داد و گذشت.

حرف ما این بوده و هست که تحریم‌ها نه عامل «همه» معضلات کشور است، نه با لغو آنها همه مشکلات رفع خواهد شد اما حال که سرمایه‌ای به این عظمت و وجه‌المصالحه کرده‌اند بدان وعده که بسار تحریم‌های ظالمانه را از گرده این ملت و مملکت بردارند، پس رضایت دادن به چیزی کمتر از «لغو» یکباره «همه» تحریم‌ها کم‌لطفی، بدعه‌دی و بی‌صدافتی با مردم است، می‌گوییم طاهرآ آقایان فراموش کرده‌اند برای چه با شیطان سر میز مذاکره نشستند، انگار صورت‌مسأله عوض شده که در توافقات انجام‌گرفته از «همه چیز» و «همه‌کس» سخن رفته است، الا «لغو» تحریم‌ها! پای میز مذاکره نرفتیم و بر آن سرمایه عظیم چشم نستیم که تن به محدودیت‌های چندین ساله بدهیم و آمار تانک و موشک و زرهی و زیردریایی را دودستی تقدیم دشمن کنیم و مشخصات دانشمندان را تقدیم جاسوسان ازانس؛ تحریم‌ها هم دست‌نخورده باقی بماند! به قول آن زعمیر بزرگ، بنا بود تحریم‌ها بماند، پس اصلاً برای چه مذاکره می‌کردیم؟! این دستاورد شگرف را ندادیم که لبخند کدخدا را بگیریم و احیاناً رخصت بودن در رکابش را، آن‌هم برای آنکه خرده‌فرمایشات تا امروز برای سرفراز زیستنش می‌پردازد که گفته‌اند زندگی بر زمین ماندماش را پی بگیرد و دولت هم برای رفع تحریم‌ها «تدبیر» دیگری بیندیشد!می‌گوییم «تعلیق» و «تخفیف» معدودی تحریم‌های کم‌اهمیت که در مقیاس مناسبات عظیم اقتصادی این مملکت اصلاً به حساب نمی‌آید، آن چیزی نبود که در ابتدا به مردم وعده دادید و در ازای آن از ملت رأی «کاسبی» کردید! منتقدان را «دلالت تحریم» می‌خوانند!

در میان این جماعت آیا اندیشمند آزاده‌ای هست که بپرسد منتقدان چگونه دلالتی هستند که بر «لغو» یکباره «همه» تحریم‌ها اصرار دارند و به «تعلیق» و «تخفیف» آنها رضامی دهند؟!

## انگلیس در پس فتنه شهادت امیر کبیر

در قـم و تهران بود.<sup>(۱)</sup> و به منظور حمایت از صنایع دستی دستسـور داد لباس نظامیان را از شال پشمین مازندران تهیه کنند، شال‌های دستی کرمان به دستور امیر کبیر به قدری عالی بافته می‌شد که با شال‌های کشمیری رقابت می‌کرد.<sup>(۲)</sup> در بخش معدن، از طرفی دستور داد کارشناسانی از اتریش استخدام شوند و از طرف دیگر، مراقب بود بیگانگان خصوصاً انگلیس‌ها در این امر رخنه نکنند و خود مردم با سرمایه خودشان به استخراج بپردازند. لذا افرادی را که با سرمایه خودشان به امر معدن روی آوردند، تا ۵ سال از مالیات معاف کرد.<sup>(۳)</sup> در بخش کشاورزی اقدامات ارزنده‌ای را انجام داد. اقداماتی مثل ساخت سد عظیم ناندی روی رودخانه کرخه، ترویج کاشت نیشکر در خوزستان، تجدید بنای بل عظیم شوشتر و بازکردن هفت‌چشمه آن، ساخت سدی عظیم بر روی «گرگان‌رود»، اصلاح و تجدید قنوات «ه گنبد» یزد و اتمام کار نهر انتقال آب رود کرچ به تهران.<sup>(۴)</sup>

۴- تقویت بنیه دفاعی و اصلاح وضع قشون

امیر کبیر چون خود امیرنظام و در خدمت ارتش بود، به خوبی از کمبودهای ارتش آگاهی داشت، لذا برای مجهز کردن سبباه ایران به سلاح مدرن، عملیاتی از اتریش استخدام کرد و به ساخت کارخانه اسلحه‌سازی و توپ‌ریزی اقدام کرد.<sup>(۵)</sup> و بخشی از مدرسه دارالفنون را مخصوص تعلیمات نظامی قرار داد. از سوی دیگر، به مسیو جان داوود با تأکید بسیار نوشت اما امیر در مقابل گستاخی‌ها و لجاجت سفیران انگلیس می‌ایستاد و آنجا که به نفع و صلاح مملکت بود با زیرکی و متانت و در جایی دیگر با شدت و حدت با آنها برخورد می‌کرد. نوشته‌های «گرت واتسون» انگلیسی به خوبی شاهد این است که وی به هیچ وجه نمی‌خواست بیگانگان در امور ایران دخالت کنند.<sup>(۶)</sup> در فتنه سالار در مشهد، او می‌دانست که توطنه انگلیس برای حفظ هندوستان در کار است، لذا به هیچ عنوان راضی نبود انگلیسی‌ها در رفع غائله، مداخله کنند. این سخن «گرت واتسون» پر بارترین کلام در باب اقدامات امیر کبیر است. او می‌گوید:

سر گور اوزلی سفیر انگلیس در ایران می‌نویسد: «باید ملت ایران را گذاشت تا در همین حالت توحش و بربریت، باقی بمانند»<sup>(۷)</sup> در مقابل چنین دیدگاهی امیر کبیر برای ساخت مدرسه دارالفنون اقدام سریعی انجام داد و معلمانی را از اتریش استخدام کرد. انگلیس‌ها بسیار سعی کردند امیر را مجاب کنند تا از دانشمندان انگلیسی نیز در مدرسه استفاده کند، اما او که به غرض خبیثانه انگلیس‌ها برای نفوذ بیشتر در ایران آگاه بود می‌گفت: ما از کشورهای که چشم طمع به مملکت ما دوخته‌اند، انتظار خدمت نداریم.<sup>(۸)</sup> از دیگر اقدامات او ایجاد روزنامه وقایع اتفاقیه بود، که اولین شماره آن در پنجم ربیع الاول ۱۲۶۷مق

- منتشر شد و بعدها نام آن به روزنامه دولتی ایران و روزنامه دولت علیه ایران و روزنامه ایران تبدیل گردید و تا زمان سلطنت مظفرالدین شاه همچنان باقی بود و انتشار می‌یافت.<sup>(۹)</sup>
- **اقدامات و خدمات خارجی**
- امیر کبیر قبل از صدارت، استقلال فکری خود را به نمایندگان خارجی‌ها نشان داد. چنانکه برای آوردن ولیعهد به تهران برخلاف معمول از بیگانگان پول قرض نگرفت و با کمک‌های دیگر آنان موفق نبود.<sup>(۱۰)</sup> قبل از وی استعمارگران اروپایی خصوصاً انگلیس در امور ایران مداخله می‌کردند. جسارت آنها به حدی رسیده بود که حتی از توهین به صدر اعظم ایران نیز پروا نداشتند.<sup>(۱۱)</sup> بسیاری از اتباع بیگانه با استفاده از کاپیتولاسیون مصونیت‌هایی در خاک ایران داشتند<sup>(۱۲)</sup> اما امیر در مقابل گستاخی‌ها و لجاجت سفیران انگلیس می‌ایستاد و آنجا که به نفع و صلاح مملکت بود با زیرکی و متانت و در جایی دیگر با شدت و حدت با آنها برخورد می‌کرد. نوشته‌های «گرت واتسون» انگلیسی به خوبی شاهد این است که وی به هیچ وجه نمی‌خواست بیگانگان در امور ایران دخالت کنند.<sup>(۱۳)</sup> در فتنه سالار در مشهد، او می‌دانست که توطنه انگلیس برای حفظ هندوستان در کار است، لذا به هیچ عنوان راضی نبود انگلیسی‌ها در رفع غائله، مداخله کنند. این سخن «گرت واتسون» پر بارترین کلام در باب اقدامات امیر کبیر است. او می‌گوید:
- ۱- مدنی، سیدجلال‌الدین؛ تاریخ سیاسی معاصر ایران، چاپ دهم ۱۳۰، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به چاپ دهم ۱۳۰، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به



**تقویم تاریخ**

**ولادت سبط اکبر امام حسن مجتبی (ع) (۳ ق)**

**ولادت سبط اکبر امام حسن مجتبی (ع) (۳ ق)**

سید جوانان اهل بهشت، سبط اکبر، ریحانة الرسول حضرت امام حسن مجتبی(ع) در ۱۵ رمضان سال سوم (و به روایتی سال دوم) هجری قمری در مدینه منوره به دنیا آمد. کنیه آن حضرت، ابومحمد و القاب ایشان، تقی، زکی و السبط است. امام حسن مجتبی(ع) پس از شهادت پدر بزرگوار خویش، مدتی امور خلافت مسلمانان را عهده‌دار شد و مهابی جنگ با معاویه بن ابی سفیان شد اما آن حضرت در پی خیانت گروه زیادی از یاران و لشکریان خود، تن به صلح با معاویه داد و از آن پس خلافت را رها کرد. امام حسن مجتبی(ع) پس از مدتی از کوفه به مدینه بازگشت و به ارشاد، هدایت و امامت جامعه اسلامی پرداخت.

### شهادت آیت‌الله صدوقی، چهارمین شهید محراب (۱۳۶۱ ش)



آیت‌الله محمد صدوقی در سال ۱۲۸۷ ش برابر با ۱۳۲۷ قمری در یزد دیده به جهان گشود. خانواده شهید صدوقی از نواده‌های مرحوم شیخ صدوق هستند و پدر او یکی از روحانیون معروف یزد بود. آیت‌الله صدوقی مقداری از تحصیلات خود را در یزد و اصفهان گذراند و سپس برای ادامه تحصیل به قم مهاجرت کرد. وی به مدت ۲۱ سال در قم به فراگیری علوم اسلامی پرداخت و از محضر عالمان نامداری همچون شیخ عبدالکریم حائری‌زدی، سیدصدرالدین صدر، سیدمحمدتقی خوانساری، سیدمحمدصادق کوه‌نمرای و حضرت امام خمینی(ره) بهره برد. پس از درگذشت آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس و مدیر حوزه علمیه قم، اداره قسمتی از حوزه علمیه به شهید صدوقی واگذار شد. با رسیدن سال ۱۳۳۰ ش و فوت عالم بزرگ دینی یزد، با درخواست مردم و توصیه حضرت امام و بزرگان به آیت‌الله صدوقی، ایشان به یزد بازگشت و به انجام وظایف دینی و انقلابی پرداخت. این‌عالم ربانی از آغاز میازات حضرت امام خمینی(ره) چه پیش از قیام ۱۵ خرداد و چه پس از آن، همواره از یاران و مروجان افکار متعالی حضرت امام محسوب می‌شد. این شخصیت والا مقام پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از طرف مردم یزد، برای تدوین قانون اساسی راهی مجلس خبرگان شد و در راه تثبیت اصل ولایت فقیه، تلاش فراوانی از خود نشان داد. ایشان همچنین به عنوان نماینده امام با امام جمعه یزد برگزیده شد و به روشنگری و ارشاد مردم همت گماشت. سرانجام آیت‌الله محمد صدوقی در روز ۱۱ تیر ۱۳۶۱ مطابق با دهم ماه مبارک رمضان سال ۱۴۰۲ ق، پس از ادای نماز جمعه در حالی که جایگاه را ترک می‌کرد، منافقی با به آغوش کشیدن آن بزرگوار و متفجر کردن تازنجکی که در دست داشت، ایشان را در خون خود غوطه‌ور کرد و آن شهید بزرگوار که به حق، شیخ‌الشهدا و چهارمین شهید محراب نامیده شده است، به آرزوی دیرین خود رسید و به معراج خود که شهادت بود، دست یافت.

### ولادت شیخ طوسی

### مؤسی حوزه علمیه نجف (۳۸۵ ق)

محدثین حسن طوسی، معروف به شیخ طوسی در ۲۳ سنالگی برای کسب علوم روز راهی بغداد شد و در حوزه درس شیخ مفید و سیدمرتضی جای گرفت. پس از رحلت سیدمرتضی در سال ۴۲۶ ق، شیخ طوسی پیشوای مذهب تشیع شد و ۱۲ سال بعد از سیدمرتضی، در بغداد زمامت شیعیان را برعهده گرفت. حلقه درس شیخ طوسی پذیرای صدا عالم فاضل شیعه و سنی بود و دانشوران بزرگی در حلقه درس او پرورش یافتند. آثار مکتوب شیخ طوسی، جزو مهم‌ترین و معتبرترین کتب شیعه است که کتب «تهذیب» و «استیعاب» ایشان از ارکان حدیث شیعه است. شیخ طوسی را تدوین‌کننده اساسنامه مکتب تشیع در فرهنگ و تمدن اسلامی می‌شناسند. شیخ‌طوسی در اواسط قرن پنجم هجری، حوزه عظیم نجف اشرف را بنیان نهاد و اولین دانشگاه شیعه را تاسیس کرد. سرانجام این عالم نامدار پس از عمری تلاش و خدمت در محرم سال ۴۶۰ ق در ۷۶ سالگی به لقای معبود شتافت و در منزل مسکونی‌اش در نجف اشرف به خاک سپرده شد.